

Divergent Paradigms of Forgiveness: A Comparative Analysis of the Role of Righteous Deeds and Redemption in Islam and Christianity

✉ **Davoud Khoshbavar**  / Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University of Tehran, Tehran, Iran d.basirat@cfu.ac.ir

Hamid Esfandiari / Lecturer, Department of Islamic Education, Farhangian University of Tehran, Tehran, Iran h.sfandiari@cfu.ac.ir

Mohammad Hossein Tavaklian / Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University of Tehran, Tehran, Iran m.tavaklian@cfu.ac.ir

Received: 2025/10/18 - Accepted: 2026/01/26 - Published: 2026/06/08

Abstract

This study adopts a comparative approach to investigate the concept of "expiation of sins" (takfīr al-kabā'ir)—a theological concept denoting the erasure and nullification of the deleterious effects of transgressions through righteous deeds. In Islamic theology, takfīr is a concept rooted in scriptural texts that emphasizes the role of devotional acts and ethical commitment in eliminating the consequences of sin. Accordingly, good deeds (ḥasanāt) can, under certain conditions, bring about the remission of evil deeds (sayyi'āt). Correspondingly, in Christian theology, although the terminology of takfīr in its Islamic sense is not employed, concepts such as "redemption" (fidā), "salvation" (najāt), and "atonement" (kaffāra) occupy a central position. These doctrines rest upon the presupposition that Christ's death on the cross is the cause of divine forgiveness and the sole means of deliverance from the consequences of original sin and individual transgressions. The present study, employing a descriptive-analytical method, undertakes a comparison of these two paradigms. The findings indicate that while in Christian theology the human role in the process of salvation is marginalized, Islamic theology, by emphasizing individual agency and responsibility, delineates a dynamic mechanism for forgiveness. Consequently, the necessity of rethinking Christian perspectives and the superiority of the Islamic model in establishing a nexus between human free will and divine forgiveness will be emphasized..

Keywords: Forgiveness, Expiation, Redemption, Islam, Christianity.



Copyright: © 2026 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions

of the Creative Commons Attribution (CC BY) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



10.22034/marefateadyan.2026.5002882

نوع مقاله: پژوهشی

پارادایم‌های متفاوت آموزش با واکاوی تطبیقی نقش عمل صالح و فدا در اسلام و مسیحیت

d.basirat@cfu.ac.ir

h.sfandiar@cfu.ac.ir

m.tavaklian@cfu.ac.ir

داود خوش‌باور  / استادیار گروه آموزش معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان تهران، تهران، ایران

حمید اسفندیاری / مدرس گروه آموزش معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان تهران، تهران، ایران

محمدحسین توکلیان / استادیار گروه آموزش معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان تهران، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶ - پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۶ - انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸

چکیده

این پژوهش با رویکردی تطبیقی به واکاوی مفهوم «تکفیر گناهان» می‌پردازد؛ مفهومی الهیاتی که بر محو و ابطال آثار سوء معاصی از طریق اعمال صالحه دلالت دارد. در الهیات اسلامی، «تکفیر» مفهومی ریشه‌دار در نصوص است که بر نقش کنش‌های عبادی و التزام اخلاقی در زدودن پیامدهای گناه تأکید می‌ورزد. بر این اساس، حسنات می‌توانند به‌نحو مشروط موجب زوال سیئات شوند. متقابلاً در الهیات مسیحی هرچند ترمینولوژی «تکفیر» به‌معنای اسلامی آن به‌کار نرفته است، اما مفاهیمی چون «فدا»، «نجات» و «کفار» جایگاهی محوری دارند. این آموزه‌ها بر این پیش‌فرض استوارند که مرگ مسیح بر صلیب، عامل آموزش الهی و تنها راه رهایی از پیامدهای گناه نخستین و خطاهای فردی است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، به مقایسه این دو پارادایم می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهند درحالی‌که در الهیات مسیحی نقش انسان در فرایند رستگاری به‌حاشیه رانده می‌شود، الهیات اسلامی با تأکید بر عاملیت و مسئولیت فردی، سازوکاری پویا برای آموزش ترسیم می‌کند. در نتیجه، ضرورت بازاندیشی در دیدگاه‌های مسیحیت و برتری مدل اسلامی در ایجاد پیوند میان اختیار انسانی و آموزش الهی، مورد تأکید خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: آموزش، تکفیر، فدا، اسلام، مسیحیت.



مقدمه

یکی از مسائل بنیادین در الهیات ادیان، نسبت ایمان و عمل صالح با سعادت اخروی، و در مقابل، نقش گناه و معصیت در شقاوت ابدی انسان است. پرسش اساسی این است که: آیا اعمال نیک انسان می‌تواند آثار گناهان پیشین او را بپوشاند و نابود کند؟ و اگر پاسخ مثبت است، سازوکار تحقق این امر چیست و چگونه می‌توان آن را تبیین کرد؟ در اسلام، این پرسش در قالب مفهوم «تکفیر» مطرح می‌شود؛ مفهومی که قرآن کریم در آیات متعددی بدان تصریح کرده است؛ اما در مسیحیت، اصطلاح «تکفیر» وجود ندارد و به جای آن، آموزه‌هایی چون «کفاره»، «فدا» و «نجات» جایگزین شده‌اند.

اهمیت این مسئله در آن است که تبیین صحیح آن می‌تواند به شکل‌گیری نگرشی متوازن در دینداران بینجامد؛ نگرشی که انسان را میان خوف و رجا قرار دهد: خوف از کیفر گناهان مانع از غرور و غفلت اخلاقی می‌شود؛ و امید به آموزش، از یأس و ناامیدی جلوگیری می‌کند. از همین رو آموزه «تکفیر» نه تنها نقش اخلاقی و روان‌شناختی دارد، بلکه بر اساس عدل و رحمت الهی نیز معنا می‌یابد و از مباحث کلیدی در الهیات اسلامی به‌شمار می‌آید (سبحانی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۶۳). در مقابل، آموزه «فدا» در مسیحیت با تأکید بر نقش مرگ عیسی مسیح علیه السلام به‌عنوان قربانی، انسان را صرفاً دریافت‌کننده فیض الهی می‌داند و برای اعمال نیک او نقشی در آموزش قائل نیست (مک‌گراث، ۱۳۸۵، ص ۴۵۰).

ضرورت و اهمیت بحث

بررسی تطبیقی «تکفیر» در اسلام و «فدا» در مسیحیت، از چند جهت اهمیت دارد: نخست آنکه آموزه تکفیر در اسلام، از یک سو امید به رحمت الهی را در دل مؤمنان زنده نگه می‌دارد؛ و از سوی دیگر آنان را به پرهیز از گناه و انجام اعمال صالح ترغیب می‌کند. اگر این آموزه به‌درستی فهم نشود، می‌تواند زمینه سوءبرداشت‌هایی را فراهم آورد؛ برای مثال، ممکن است برخی گمان کنند که انجام اعمال صالح به‌تنهایی کفایت می‌کند و نیازی به ایمان و توبه نیست یا بالعکس، تصور کنند که آموزش تنها در گرو رحمت الهی است و عمل انسان هیچ نقشی ندارد.

دوم آنکه آموزه فدا در مسیحیت نیز پیامدهای گسترده‌ای در عرصه اخلاق دینی دارد. اگر آموزش صرفاً به‌واسطه مرگ مسیح تحقق یابد، جایگاه عمل اخلاقی انسان در چه سطحی قرار می‌گیرد؟ آیا چنین نگاهی می‌تواند انگیزه کافی برای پایبندی به اخلاق دینی ایجاد کند؟ این پرسش‌ها نشان می‌دهند که مقایسه این دو رویکرد می‌تواند ابعاد تازه‌ای از رابطه ایمان، عمل و رحمت الهی را روشن سازد.

سوم آنکه مطالعه تطبیقی این دو پارادایم، علاوه بر غنای علمی، می‌تواند به گفت‌وگوی میان‌دینی نیز یاری

رساند. فهم درست تفاوت‌ها و شباهت‌ها امکان گفت‌وگوی سازنده میان پیروان اسلام و مسیحیت را فراهم می‌آورد و زمینه درک عمیق‌تر از آموزه‌های الهی را مهیا می‌سازد.

پیشینه تحقیق

بررسی تطبیقی مفهوم «تکفیر» در اسلام و مسیحیت تا کنون به صورت یک پژوهش مستقل، جامع و نظام‌مند مورد توجه جدی قرار نگرفته است. باین حال شماری از مطالعات مرتبط از زوایای دیگر به موضوعاتی نزدیک با این حوزه پرداخته‌اند و می‌توان آنها را به‌منزله زمینه‌های مقدماتی یا بسترهای مفهومی این پژوهش در نظر گرفت.

از جمله آثار قابل توجه در این زمینه، کتاب *نجات‌شناسی در اسلام و مسیحیت*، نوشته حجت‌الاسلام محمد کاشانی است که به تحلیل مسئله نجات از منظر این دو دین پرداخته و وجوه اشتراک و افتراق این آموزه را بررسی کرده است. همچنین کتاب *نجات‌شناسی اسلام و مسیحیت: بررسی تطبیقی قرآن و کتاب مقدس*، اثر مجتبی امامی نیز کوشیده است تا با تکیه بر منابع اصلی دو دین، تصویری تطبیقی از مسئله نجات و رستگاری ارائه دهد.

همچنین در پایان‌نامه‌ای (۱۳۹۵) با عنوان *بررسی مسئله نجات و رستگاری از دیدگاه اسلام، مسیحیت و یهودیت با محوریت قرآن*، نوشته سیدیحیی هاشمی، به مسئله فیض خداوند و مرگ عیسی مسیح علیه السلام به‌عنوان فدیة و کفارة گناه موروثی انسان‌ها و نقش اساسی آن در امر نجات پرداخته شده است. نویسنده از میان شاخصه‌ها و ملاک‌ها در دیدگاه اسلامی، ایمان و عمل صالح را دارای اهمیت بیشتری می‌داند و درعین حال برای حصول به رستگاری مطلوب، وجود شاخصه‌های دیگری چون تقوا، نماز، زکات و... را شرط لازم شمرده است. این پایان‌نامه، گرچه تا حدودی با عنوان مقاله پیش رو تطابق دارد، ولی به مسئله تکفیر و آثار آن در اسلام و تطبیق آن با مسیحیت اشاره‌ای نکرده است.

افزون بر پژوهش‌های یادشده، مقاله «نجات‌شناسی از دیدگاه مسیحیت و اسلام»، نوشته حسن طالبی در شماره ۱۰ و ۱۱ نشریه طلوع (تابستان و پاییز ۱۳۸۳)، به واکاوی تطبیقی مفاهیم نجات، فلاح و رستگاری و نیز عوامل و موانع دستیابی به آنها از منظر اسلام و مسیحیت می‌پردازد. هرچند این پژوهش به‌طور مستقیم به مسئله تکفیر وارد نشده است، اما مباحث آن در حوزه مبانی رستگاری و کفر، بستری نظری برای تحلیل‌های مرتبط با تکفیر فراهم می‌آورد. مقاله دیگر، «نجات در اسلام و مسیحیت (با تأکید بر قرآن کریم و کتاب مقدس)»، نوشته مصطفی آزادپان در شماره ۴ مجله نقد و نظر (زمستان ۱۳۹۰) است که مهم‌ترین مسائل مربوط به آموزه نجات را بر اساس قرآن کریم و کتاب مقدس بررسی می‌کند.

پژوهش دیگر، مقاله «نجات در قرآن و مقایسه آن با آموزه نجات مسیحی»، نوشته مجتبی امامی، در شماره ۴۳ مجله قیسات (بهار ۱۳۸۶) است که به تفاوت‌های اساسی میان نجات اسلامی و مسیحی

پرداخته است. نجات در مفهوم اسلامی معنای عدمی و سلبی دارد و به معنای خلاصی یا دور شدن از مصیبت، سختی، درد و رنج و مهلکه گناه است و در مفهوم مسیحی به معنای اسارت انسان در گناه و مرگ است که از ناحیه خود قابلیت نجات ندارد. خداوند با حضور مستقیم خود در کالبد عیسیای ناصری و با فدیة یا قربانی شدنش، تاوان گناه انسان را می‌پردازد و او را از اسارت گناه نجات می‌دهد. این مقاله به بررسی مسئله نجات پرداخته است؛ اما بخشی از آنچه در این مقاله به آن پرداخته شده، خصوصاً پیرامون از بین رفتن گناه سابق با ایمان لاحق، مورد غفلت واقع شده است.

از دیگر پژوهش‌های مرتبط می‌توان به مقاله «مطالعه تطبیقی انگاره‌های دووجهی گناه و توبه در قرآن کریم و انجیل»، نوشته سیده صفورا رزاق‌پور رضایی و همکاران اشاره کرد که در نشریه پژوهش‌های قرآنی، دوره ۲۸، شماره ۱۰۸ (آذر ۱۴۰۲) منتشر شده است. این مقاله به تحلیل تطبیقی مفاهیم گناه و توبه در قرآن و انجیل پرداخته و ابعاد لغوی و اصطلاحی آن را واکاویده است. افزون بر این، مجازات گناه و نیز شرایط و مراحل تحقق توبه و آثار دنیوی و اخروی آن در دو کتاب مقدس مورد بررسی قرار گرفته است. اگرچه محور اصلی این مقاله تمرکز بر گناه و انواع آن در دو دین است، اما با توجه به پیوند وثیق تکفیر با مقولات گناه و خروج از ایمان، نتایج این پژوهش می‌تواند در تبیین برخی ابعاد نظری تکفیر، به‌ویژه در زمینه تعریف و کارکرد آن، راهگشا باشد. در مجموع با وجود این تلاش‌ها، خلأ پژوهش‌های مستقیم در خصوص بررسی تطبیقی تکفیر در اسلام و مسیحیت همچنان محسوس است. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی آن است که با رویکردی مستقل و جامع، به تبیین، تحلیل و مقایسه این مفهوم در دو سنت دینی بپردازد و بدین وسیله خلأ موجود در ادبیات پژوهشی را جبران کند.

۱. مفهوم‌شناسی تکفیر

«تکفیر» یک اصطلاح کلامی در مقابل «احباط» است (انصاریان، ۱۴۰۲، ص ۶۲) که از ریشه «کفر» به معنای پوشاندن و محو کردن مشتق شده. زبیدی در تاج العروس آن را به معنای پوشاندن و زایل کردن دانسته (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۴۵۱) و طریحی نیز در مجمع البحرین همین معنا را تأیید کرده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۷۵). در اصطلاح اسلامی، تکفیر به معنای محو آثار گناهان گذشته از طریق اعمال صالح است. قرآن کریم در آیات متعددی این معنا را بیان کرده؛ از جمله در سوره هود، آیه ۱۱۴: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» و در سوره فرقان، آیه ۷۰: «فَأُولَئِكَ يَدْعُلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ».

مفسران اسلامی نیز به تبیین این مفهوم پرداخته‌اند. شیخ طوسی در الاقتصاد بیان می‌کند که اعمال نیک می‌توانند عقوبت گناهان را از میان بردارند (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۰۵). طبرسی در مجمع البیان و علامه طباطبائی

در *المیزان* نیز تأکید دارند که تکفیر، هم جنبه قرآنی دارد و هم جنبه عقلانی (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۷۴). در مقابل، در مسیحیت چنین اصطلاحی وجود ندارد و آموزش به فدای عیسی مسیح تبیین می‌شود. رساله به افسسیان (۱: ۷) می‌گوید: «در او فدیة داریم؛ یعنی آموزش گناهان به‌حسب دولت فیض او یافته‌ایم». همچنین رساله به تیطوس (۲: ۱۴) تأکید می‌کند که مسیح خود را فدا کرد تا ما را از هر عصبان برهاند.

۱-۱. حقیقت تکفیر و چگونگی عملکرد آن در اسلام و مسیحیت

یکی از مهم‌ترین مباحث در الهیات تطبیقی میان اسلام و مسیحیت، موضوع آموزش گناهان و سازوکار تحقق آن است. در متون اسلامی این سازوکار با عنوان «تکفیر» شناخته می‌شود؛ درحالی‌که در مسیحیت آموزه «فدا» محور اصلی آموزش تلقی می‌گردد. پرسش اساسی این است که حقیقت تکفیر چیست؛ چگونه عمل می‌کند و چه مستنداتی در منابع دو دین بزرگ برای آن وجود دارد. پاسخ به این پرسش، نه‌تنها در شناخت تفاوت‌های کلامی میان اسلام و مسیحیت اهمیت دارد، بلکه بر نحوه تلقی پیروان این ادیان از رابطه خدا و انسان و نیز مسئولیت اخلاقی بشر تأثیر مستقیم می‌گذارد.

۱-۱-۱. حقیقت و سازوکار تکفیر در اسلام

در منابع اسلامی، تکفیر از موضوعاتی است که هم در قرآن و هم در روایات به آن تصریح شده است. متکلمان درباره ماهیت و نحوه اثرگذاری آن مباحث فراوانی مطرح کرده‌اند. مرحوم شیخ حر عاملی در *الفصول المهمه* می‌نویسد: تکفیر در قبال کفر و گناهان پیش از ایمان، حتمی و فراگیر است؛ اما نسبت به گناهان پس از ایمان عمومیت ندارد و تحقق آن منوط به شرایط خاصی است. او تأکید می‌کند، قول صحیح آن است که وقتی مؤمن طاعتی انجام می‌دهد، مستحق ثواب می‌شود و گاه ثواب او چنان است که عقاب پیشین را از بین می‌برد (حر عاملی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۸۴).

علامه مجلسی نیز در *بحار الانوار* معتقد است که عقاب کفر به‌وسیله ایمانی که تا پایان عمر باقی بماند، ساقط می‌شود. وی افزوده است: روایات بسیاری وجود دارد که ثواب فراوان برخی طاعات موجب تکفیر بسیاری از سیئات می‌شود و افزون بر این، آیات متعددی نیز بر این معنا دلالت دارند. به‌باور او، دلیل معتبری که این قول را نقض کند، وجود ندارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۳۳-۳۳۴؛ ج ۶۸، ص ۱۹۸).

از جمله شواهد قرآنی، آیه ۲۷۱ سوره بقره است: «إِنْ تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِّنْ سَيِّئَاتِكُمْ». شماری از مفسران شیعه، مانند طوسی در *التبیان*، طبرسی در *مجمع البیان* و مغنیه در *تفسیر کاشف*، این آیه را بیانگر آن دانسته‌اند که صدقه، به‌ویژه اگر با نیت خالص برای رضای خدا باشد، گناهان صغیره را تکفیر می‌کند (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۸۵؛ مغنیه، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۴).

طوسی در ذیل آیه ۳۱ سوره نساء نیز آورده است که بر اساس دیدگاه معتزله، خداوند گناهان صغیره کسی را که از کبایر اجتناب کند، می‌پوشاند و مؤاخذه بر آن، ظلم خواهد بود. البته به‌باور امامیه، خداوند از باب تفضل چنین وعده‌ای داده و اگر بخواهد عقاب کند، هیچ ظلمی صورت نگرفته است. وی همچنین در تفسیر آیه ۴۵ سوره مائده معتقد است که علاوه بر توبه و اجتناب از کبایر، برخی اعمال خیر نیز می‌توانند موجب تکفیر شوند و خداوند از سر فضل، عقوبت گناه را ساقط می‌کند (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۸۳ و ۵۳۲).

طبرسی در جوامع الجامع می‌نویسد: تکفیر سیئات، گاه به‌وسیله توبه و مغفرت صورت می‌گیرد و گاه بدون توبه نیز ممکن است. او در مجمع البیان تصریح می‌کند که اجتناب از گناهان بزرگ سبب تکفیر گناهان کوچک است (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۳۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۸).

علامه طباطبائی در المیزان بر این باور است که تکفیر به‌طور اجمالی در قرآن تثبیت شده است و پاره‌ای از طاعات، مانند نماز و حج و نیز اجتناب از کبایر، می‌توانند برخی سیئات را ببوشانند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۷۲؛ ج ۴، ص ۳۲۲). وی در تفسیر آیه ۳۱ سوره نساء می‌افزاید: آنچه از آیات قرآن می‌توان دریافت، این است که حسنات و سیئات تا حدی یکدیگر را خنثی می‌کنند؛ اما دلیلی بر این وجود ندارد که هر حسنه‌ای هر سیئه‌ای را به‌طور مطلق از بین ببرد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۳۱).

آیت‌الله سبحانی نیز در منشور جاوید توضیح می‌دهد که مقصود از تکفیر، بخشش گناهان از سوی خداوند به‌سبب عواملی خاص است. او این پدیده را در کنار «احباط» می‌نشاند و می‌گوید: همان‌گونه که گاهی گناهان مانع تأثیر اعمال نیک می‌شوند، گاه حسنات نیز آثار گناهان را می‌زدایند. از دیدگاه او، تکفیر نه‌تنها عقلاً ممکن، بلکه با عفو الهی سازگار است؛ زیرا عقوبت حق خداست و گذشت از آن، نه ظلم است و نه مخالف عدل؛ مشروط به اینکه مصلحتی در کار باشد. او درعین حال یادآور می‌شود که اطلاق آیات نباید به‌معنای بخشش همه گناهان بدون قید و شرط تلقی شود؛ بلکه هر مورد تابع شرایطی است (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۲۶۸-۲۶۹؛ سبحانی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۵۷۶؛ سبحانی، ۱۳۷۰، ص ۲۳۴؛ سبحانی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۷۷). همین مضمون را شیخ صدوق نیز در اعتقادات مطرح کرده است (ابن بابویه، ۱۳۸۹، ص ۱۷۴).

آیت‌الله مصباح یزدی نیز در آموزش عقاید می‌نویسد: رابطه میان کارهای نیک و بد شبیه رابطه ایمان و کفر است؛ اما نه به‌طور مطلق. برخی اعمال نیک آثار گناهان را از بین می‌برند؛ مانند توبه حقیقی؛ لذا مؤمن در صورت ارتکاب گناه به‌سرعت توبه می‌کند تا به ایمانش لطمه‌ای وارد نشود و سعی می‌کند که دیگر آن را تکرار نکند (مصباح یزدی، ۱۴۰۲، ص ۷)؛ اما هر عمل نیکی اثر هر گناهی را محو نمی‌کند. تعیین دقیق این تأثیرات نیز تنها از طریق وحی و سخنان معصومان ممکن است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۵۴-۱۵۵).

در نتیجه می‌توان گفت که در الهیات اسلامی، تکفیر سازوکاری پویا و مشروط است که هم در نصوص و هم در عقلانیت دینی جایگاهی روشن دارد.

۱-۱-۲. حقیقت و سازوکار تکفیر در مسیحیت

در مسیحیت، مقولهٔ آموزش گناهان با آموزهٔ فدا گر خورده است. اساس این آموزه بر «سقوط بشر» به واسطهٔ گناه آدم استوار است. به‌باور الهیات مسیحی، انسان به‌سبب گناه نخستین در معرض غضب الهی قرار گرفت و صرف توبه کافی نبود؛ از این‌رو همان‌گونه که در عبرانیان ۹: ۲۲ آمده است، «بدون ریختن خون، آموزش نیست». در عهد عتیق، قربانی‌های حیوانی برای جبران گناهان پیش‌بینی شده بود؛ اما نویسندهٔ عبرانیان تأکید می‌کند که این قربانی‌ها هرگز قادر به محو کامل گناه نبودند (عبرانیان ۱۰: ۱-۱۲). از آنجاکه انسان‌ها خود گناهکار بودند، نمی‌توانستند قربانی کامل و بی‌عیب به خدا عرضه کنند. بنابراین نیاز به منجی‌ای بود که هم انسان باشد و هم مبرا از گناه، تا بتواند به‌جای انسان قربانی شود. این منجی کسی جز عیسی مسیح نبود که به صلیب کشیده شد و خون او به‌عنوان بهای آزادی بشر از گناه ریخته شد (تیمتس ۲: ۱۴).

رسالهٔ اول پطرس این معنا را چنین بیان می‌کند: «شما نه با چیزهای فانی چون زر و سیم، بلکه با خون گران‌بهای مسیح، همچون بره‌ای بی‌عیب و بی‌لکه، فدیة شدید» (اول پطرس ۱: ۱۸-۱۹). همچنین پولس رسول در افسسیان ۱: ۷ می‌نویسد: «به‌وسیلهٔ خون او رهایی داریم؛ یعنی آموزش گناهان، برحسب دولت فیض او». مک‌گراث در تبیین الهیات مسیحی می‌نویسد: در این نظام، مرگ مسیح نخست بر خدا تأثیر گذاشت و غضب او را فرونشاند. به‌بیان دیگر، صلیب نقطه‌ای است که در آن، «نه»ی خدا به «آری» بدل می‌شود و راه نجات برای بشر گشوده می‌گردد (مک‌گراث، ۱۳۸۵، ص ۴۵۰). در این دیدگاه، صلیب، نه فقط یک رویداد تاریخی، بلکه قلب الهیات مسیحی است. اگر جنبهٔ فدیة‌ای مرگ مسیح حذف شود، مسیحیت به مجموعه‌ای از تعالیم اخلاقی فروکاسته می‌شود و از محتوای نجات‌بخش تهی می‌گردد.

محورهای اصلی این آموزه سه رکن دارد:

۱. کفار (Atonement): به‌معنای یکی شدن با خدا و ترمیم رابطهٔ شکسته‌شده میان او و انسان از طریق مرگ مسیح؛
۲. نجات‌شناسی (Soteriology): شاخه‌ای از الهیات که نجات و رستگاری را بررسی می‌کند و اساس آن، مرگ فدیة‌ای مسیح است؛
۳. تصلیب (Crucifixion): رویداد مصلوب شدن عیسی، که هم جنبهٔ تاریخی دارد و هم بار الهیاتی عمیق (تیسن، بی‌تا، ص ۲۱۹).

به‌طور خلاصه، سازوکار بخشش در مسیحیت این‌گونه ترسیم می‌شود: نخست، مسیح به‌عنوان «جان‌شین» بشر، بار گناه او را بر دوش کشید و مجازات او را متحمل شد؛ دوم، مرگ او بر صلیب نشانه کامل‌ترین فداکاری جان‌شینانه بود و سبب آشتی خدا و انسان شد. سوم، این مرگ غضب الهی را فرونشاند و رضایت خدا را جلب کرد؛ به‌گونه‌ای که دیگر نیاز به کسب رضایت او از طریق اعمال انسانی باقی نماند.

بنابراین در مسیحیت، تکفیر و آمرزش تنها از مسیر ایمان به مرگ و فدا شدن عیسی مسیح امکان‌پذیر است و اعمال انسانی در آن نقشی مستقل ندارند.

۲. ادله و مستندات تکفیر در اسلام و مسیحیت

۲-۱. ادله قرآنی و روایی در اسلام

قرآن کریم در موارد متعددی بر امکان آمرزش و پوشانده شدن گناهان به‌واسطه اعمال صالح و ایمان تأکید کرده است. این آیات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: آیاتی که تکفیر را مشروط به اجتناب از کبایر می‌دانند و آیاتی که عمل صالح را عامل مستقیم زوال گناهان معرفی می‌کنند.

در سوره نساء، آیه ۳۱ می‌خوانیم: «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا». این آیه به‌صراحت اجتناب از کبایر را شرط اصلی تکفیر معرفی می‌کند. مفسران اسلامی مانند شیخ طوسی در التبیان (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۸۳) و طبرسی در مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۸) بر این نکته تأکید دارند که اگر انسان از گناهان بزرگ دوری کند، خداوند گناهان کوچک او را خواهد پوشاند و بدین‌سان آمرزش تحقق می‌یابد. فخرالدین رازی نیز در التفسیر الکبیر تصریح می‌کند که تکفیر در این آیه به‌معنای رفع عقاب صغیر است؛ زیرا اجتناب از کبایر ثواب عظیمی دارد که عقوبت خطاهای کوچک را جبران می‌کند (فخر رازی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۰، ص ۹۱).

از سوی دیگر آیاتی وجود دارند که عمل صالح را عامل مستقیم زوال گناهان می‌دانند. در سوره هود، آیه ۱۱۴، خداوند خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ». بسیاری از مفسران، از جمله طبری، زمخشری و علامه طباطبائی، این آیه را دلیل قرآنی بر نقش اعمال صالح در محو گناهان دانسته‌اند. زمخشری در الکشاف (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۰۳) تصریح می‌کند که نمازها و طاعات مداوم، همانند نوری هستند که ظلمت گناه را از دل انسان می‌زدایند. علامه طباطبائی نیز در المیزان (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۲۳) توضیح می‌دهد که حسنات تأثیر روانی و اخلاقی گناه را محو می‌کنند و انسان را به مسیر صحیح بازمی‌گردانند.

آیه دیگری که در این زمینه اهمیت ویژه دارد، آیه ۷۰ سوره فرقان است: «إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا

صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ». این آیه نه تنها به محو گناه، بلکه به تبدیل سیئات به حسنات اشاره می کند. علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می نویسد: این وعده الهی نشان دهنده فضل گسترده خداوند است که حتی گناهان گذشته را می تواند به سرمایه معنوی جدید بدل سازد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۹۷). افزون بر قرآن، روایات متعددی نیز بر نقش اعمال صالح در تکفیر گناهان تأکید دارند. برای مثال در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است: «الصلوات الخمس والجمعة إلى الجمعة ورمضان إلى رمضان كفارات لما بينهن إذا اجتنب الكبائر»؛ یعنی نمازهای پنج گانه، نماز جمعه تا جمعه دیگر و ماه رمضان تا رمضان آینده، کفاره گناهان میان آنها هستند؛ به شرط آنکه از گناهان کبیره اجتناب شود (قشیری نیسابوری، ۱۳۷۴ق، ص ۲۰۳). این روایت نشان می دهد که عبادات دینی، با شرایطی، می توانند اثر گناه را بزدایند.

۲-۲. استدلال های عقلی در اسلام

متکلمان اسلامی برای پذیرش تکفیر، تنها به نصوص قرآنی و روایی بسنده نکرده اند؛ بلکه از ادله عقلی نیز بهره برده اند. قاضی عبدالجبار، متکلم بزرگ معتزلی، در شرح الاصول الخمسه (اسدآبادی، ۱۴۰۸ق، ص ۶۲۵) چنین استدلال می کند: اگر میزان ثواب عملی نیک بیشتر از عقاب عملی بد باشد، عقل حکم می کند که ثواب بر عقاب غلبه کند. او این امر را به عدالت عرفی تشبیه می کند؛ همان گونه که اگر فردی بارها به کسی نیکی کند و تنها یک بار خطایی کوچک مرتکب شود، عرف آن خطا را در برابر احسان های بزرگ نادیده می گیرد.

برخی از متکلمان شیعه، مانند خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی (طوسی، ۱۴۱۶ق، ص ۹۹؛ حلی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵) نیز همین استدلال را تأیید کرده اند. علامه طباطبائی در المیزان (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۳۱) اضافه می کند که تکفیر نه به معنای نابودی ماهوی گناه، بلکه به معنای رفع استحقاق عقوبت آن است. آیت الله سبحانی نیز در منشور جاوید (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۲۶۸) بر این نکته تأکید دارد که تکفیر تجلی فضل الهی است و هیچ منافاتی با عدل خداوند ندارد؛ زیرا عقوبت گناه از حقوق خداوند است و او می تواند از حق خود در مقام مجازات چشم پوشی کند.

۲-۳. آموزه فدا در مسیحیت

در الهیات مسیحی، ادله اصلی بر فدا و آمرزش مبتنی بر عهد جدید است. در عبرانیان ۹: ۲۲ آمده است: «بدون ریختن خون، آمرزش نیست». این عبارت اساس الهیات فدا را تشکیل می دهد. همچنین در عبرانیان ۱۰: ۱-۱۲، قربانی های عهد عتیق ناتوان از کفاره نهایی معرفی می شوند و مرگ مسیح به عنوان قربانی کامل و نهایی توصیف می شود.

پولس رسول در رساله به رومیان می نویسد: «همه به طور رایگان به واسطه فیض خداوند و به وسیله فدیهای

که در مسیح عیسی است، عادل شمرده می‌شوند. خدا او را وسیله کفاره ساخت تا به واسطه ایمان در خون او، عدالت خویش را نشان دهد» (رساله به رومیان ۳: ۲۴-۲۵). این آیات به وضوح نشان می‌دهند که بخشش گناهان در الهیات پولسی، نه نتیجه اعمال انسان، بلکه ثمره ایمان به مرگ و خون مسیح است.

در رساله اول پطرس نیز آمده است: «می‌دانید که از سیرت باطل خود که از پدران به شما رسیده بود، فدیة شدید؛ نه به چیزهای فانی چون نقره و طلا؛ بلکه به خون گران‌بهای مسیح، همچون بره‌ای بی‌عیب و بی‌لکه» (رساله اول پطرس ۱: ۱۸-۱۹). این آیه نشان‌دهنده جایگزینی کامل آموزه فدا به جای هر نوع کفاره انسانی یا حیوانی است.

۲-۴. تفاوت دیدگاه‌های مسیحی

هرچند آموزه فدا در همه شاخه‌های مسیحیت بر محور نجات است، اما تفسیر آن میان کاتولیک‌ها، ارتدوکس‌ها و پروتستان‌ها متفاوت است. در الهیات کاتولیک، ایمان به مسیح شرط اصلی نجات است؛ اما این ایمان باید در عمل با مشارکت در آیین‌های مقدس، مانند تعمید، عشاء ربانی و اعتراف، تثبیت شود. به‌باور توماس آکویناس، فیض الهی از طریق این آیین‌ها جاری می‌شود و بدون آنها نجات کامل تحقق نمی‌یابد (Aquinas, 1952, part.III, Q.62 & 69).

در الهیات ارتدوکس، بیشتر بر بُعد آشتی‌بخش فدا تأکید می‌شود. مسیح با مرگ و رستایش خود، رابطه گسسته میان خدا و انسان را ترمیم کرد و انسان را به حیات تازه فراخواند. آیین‌های کلیسایی در این سنت نیز نقشی محوری در انتقال فیض دارند (Schmemmann, 1973, p.28-334; Meyendorff, 1974, p.144-150; Lossky, 1976, p.133-139). اما در سنت پروتستانی، به‌ویژه پس از مارتین لوتر، آموزه «تبرئه تنها از طریق ایمان» (sola fide) مطرح شد. بر اساس این دیدگاه، انسان صرفاً با ایمان قلبی به فدای مسیح نجات می‌یابد و اعمال یا آیین‌های کلیسایی هیچ نقشی در آموزش ندارند. لوتر صریحاً اعلام کرد که «انسان به وسیله ایمان عادل شمرده می‌شود، نه به واسطه اعمال شریعت» (رومیان ۳: ۲۸; Luther, 1960). این تفاوت نشان می‌دهد که اگرچه فدا محور مشترک است، اما شرایط بهره‌مندی از آن در سنت‌های مسیحی متفاوت فهم شده است.

۲-۵. تحلیل تطبیقی

مقایسه ادله اسلامی و مسیحی روشن می‌سازد که اسلام تکفیر را بر پایه ایمان، توبه و عمل صالح قرار داده و برای انسان نقشی فعال در فرایند آموزش قائل است. قرآن کریم بارها بر این نکته تأکید کرده که انسان با اجتناب از کبایر و انجام عبادات می‌تواند به بخشش الهی امید داشته باشد. این نگرش، علاوه بر آنکه با عدالت الهی هماهنگ است، انگیزه اخلاقی و مسئولیت فردی را نیز تقویت می‌کند.

در مقابل، الهیات مسیحی آموزش را صرفاً بر مرگ مسیح استوار می‌سازد و اعمال انسان را در این فرایند بی‌اثر می‌داند. هرچند این آموزه بر محبت و فیض رایگان خداوند تأکید دارد، اما پرسش‌های جدی در باب عدالت الهی و نقش اخلاقی انسان برمی‌انگیزد؛ به‌ویژه اینکه اگر آموزش تنها به‌واسطهٔ ایمان به فدای مسیح تحقق یابد، جایگاه عمل اخلاقی چه خواهد بود؟ آیا چنین دیدگاهی نمی‌تواند انگیزهٔ عمل صالح را تضعیف کند؟

۳. شرایط تحقق تکفیر در اسلام و مقایسهٔ آن با دیدگاه مسیحیت

۳-۱. شرایط، قوانین و محدودیت‌های تکفیر در الهیات اسلامی

مفهوم تکفیر در اسلام، هرچند از نظر آیات و روایات اصل مسلمی است، اما تحقق آن مطلق و بدون قید نیست. مفسران و متکلمان اسلامی کوشیده‌اند شرایط و قوانین این فرایند را تبیین کنند تا از یک‌سو امید به آموزش در مؤمنان باقی بماند و از سوی دیگر زمینهٔ سوءبرداشت و سستی اخلاقی فراهم نشود.

یکی از مهم‌ترین شرایط تحقق تکفیر، اجتناب از گناهان کبیره است. قرآن کریم در آیهٔ ۳۱ سورهٔ نساء می‌فرماید: «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ». مفسران، از جمله شیخ طوسی در *التبیین* (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۸۳) و طبرسی در *مجمع البیان* (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۸) تصریح کرده‌اند که اجتناب از گناهان بزرگ شرط اساسی برای پوشانده شدن گناهان صغیره است. زمخشری در *الکشاف* (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۰۳) نیز با همین استدلال می‌گوید که ثواب حاصل از اجتناب کبایر چنان فراوان است که عقاب صغایر را زایل می‌کند.

در مقابل، برخی مفسران به نقش اعمال صالح در تحقق تکفیر تأکید بیشتری داشته‌اند. آنان معتقدند که حتی اگر انسان گرفتار برخی گناهان باشد، استمرار در اعمال صالح می‌تواند آثار آنها را کاهش دهد یا بزداید. آیهٔ ۱۱۴ سورهٔ هود: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» شاهدی روشن بر این معناست. علامه طباطبائی در *المیزان* (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۲۳) این آیه را ناظر به آن دانسته است که حسنات همچون نوری در دل انسان آثار تاریک گناه را محو می‌کنند و او را به مسیر فطرت بازمی‌گردانند.

دیدگاه سوم که برخی متکلمان معاصر بر آن تأکید دارند، ترکیب اجتناب و عمل صالح است. به‌باور آنان، هیچ‌یک از این دو شرط به‌تنهایی برای تحقق تکفیر کافی نیست؛ بلکه اجتناب از گناهان بزرگ در کنار استمرار در طاعات، زمینهٔ واقعی محو گناهان را فراهم می‌کند. صاحب *تفسیر المنار*، محمد عبده، در تفسیر آیهٔ ۱۱۴ سورهٔ هود همین معنا را بیان می‌کند و می‌گوید: حسنات آثار سوء گناهان را از میان می‌برد؛ اما شرط آن اجتناب از گناهان کبیره و توبهٔ حقیقی است (عبده، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۳).

شرط دیگر که در روایات و مباحث کلامی مطرح شده، توبهٔ صادقانه است. تکفیر بدون توبه معنایی ناقص

خواهد داشت؛ زیرا گناهکار باید از کرده خویش پشیمان باشد و تصمیم به ترک آن بگیرد. روایات متعددی در این زمینه وجود دارد. در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «التائب من الذنب کمن لا ذنب له»؛ یعنی کسی که از گناه توبه کند، مانند کسی است که هرگز گناه نکرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۳۵). این حدیث نشان می‌دهد که توبه زمینه اصلی برای محو گناه است و اعمال صالح نقش تکمیل‌کننده دارند.

برخی متکلمان نیز به مسئله اخلاص اشاره کرده‌اند. به‌باور آنان، اعمال صالح زمانی قدرت تکفیر دارند که با نیت خالص انجام شوند. اگر عمل نیک برای ریا یا انگیزه‌های دنیوی انجام گیرد، نه تنها تکفیر حاصل نمی‌شود، بلکه خود می‌تواند موجب عقوبت شود. آیت‌الله سبحانی در منشور جاوید (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۲۶۸) تأکید می‌کند که شرط اساسی در تکفیر، خلوص نیت و جهت‌گیری عمل به‌سوی خداوند است.

نکته دیگر، تفاوت میان سیئات صغیره و کبیره است. بسیاری از مفسران معتقدند که تکفیر ناظر به صغایر است و گناهان کبیره تنها با توبه صریح بخشوده می‌شوند. برای نمونه، فخرالدین رازی در التفسیر الکبیر (فخر رازی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۸، ص ۷۴) معتقد است که نمازهای پنج‌گانه تنها گناهان صغیره را می‌پوشانند؛ اما گناهان بزرگ مانند قتل یا زنا تنها با توبه صادقانه ممکن است بخشوده شوند.

همچنین تکفیر در الهیات اسلامی مطلق و بی‌قید نیست. گرچه قرآن کریم وعده آموزش داده است، اما این آموزش در چهارچوب عدل و حکمت الهی تحقق می‌یابد. علامه طباطبائی در المیزان (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۳۱) می‌نویسد: «تکفیر به معنای محو آثار گناه است، نه نابودی ماهوی آن. خداوند به واسطه فضل خود، از عقوبت بندگان می‌گذرد؛ اما این گذشت مشروط به شرایطی است که در آیات و روایات ذکر شده است».

متکلمان همچنین به این نکته توجه داده‌اند که تکفیر تنها مربوط به حقوق الهی است، نه حقوق الناس. اگر گناه انسان متوجه حقوق دیگران باشد، مانند ظلم یا غصب مال، این گناه تنها زمانی بخشوده می‌شود که حق صاحبان آن ادا شود یا رضایت آنان جلب گردد. در غیر این صورت، هیچ عمل صالحی نمی‌تواند کفاره چنین گناهی باشد. این شرط مهم، در فقه و کلام اسلامی به‌صراحت بیان شده است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۵۴).

۲-۳. شرایط آموزش در مسیحیت

در الهیات مسیحی، تحقق آموزش ساختار کاملاً متفاوتی دارد. آموزه فدا اساس نجات در مسیحیت است و در نتیجه، شرایط آموزش، نه به اجتناب از گناه یا انجام اعمال صالح، بلکه به ایمان به مسیح و پذیرش مرگ او به‌عنوان فدیة گناهان وابسته است.

کتاب مقدس در عبرانیان ۹: ۲۲ تصریح می‌کند که «بدون ریختن خون، آموزش نیست» و این خون همان

خون مسیح است؛ بنابراین، شرط اصلی بخشش در مسیحیت، ایمان به این واقعه است. پولس رسول در رساله به رومیان می‌نویسد: «اگر به زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان بیاوری که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت» (رساله به رومیان ۱۰: ۹). این آیه نشان می‌دهد که شرط اصلی نجات، ایمان قلبی به مرگ و رستاخیز مسیح است. طبق دیدگاه پولس، مرگ انسان با گناه و عصیان آدم، و زنده شدن او با نجات عیسی است. در این حالت، با عصیان آدم ابوالبشر، روح انسان که ارتباط او با خدا را شکل می‌دهد، دچار مرگ شد و با آمدن عیسی یا آدم ثانی، با فدیة و کفاره شدنش، این ارتباط دوباره برقرار گشت و روح او دوباره زنده و متولد شد (حسینی قلعه‌بهمن، ۱۴۰۴، ص ۵۷).

در سنت کاتولیک و ارتدوکس، ایمان باید با مشارکت در آیین‌های مقدس همچون تعمید، اعتراف و عشای ربانی تثبیت شود. این آیین‌ها مسیر انتقال فیض الهی‌اند و بدون آنها نجات کامل تحقق نمی‌یابد (براون، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳)؛ اما در سنت پروتستان، به‌ویژه در الهیات لوتر و کالون، تنها ایمان کافی است و هیچ عمل یا آیینی شرط نجات نیست.

۳-۳. مقایسه تطبیقی

با مقایسه این دو دیدگاه می‌توان گفت که اسلام تکفیر را فرایندی مشروط و اخلاق‌محور می‌داند که در آن، انسان نقشی فعال دارد. اجتناب از کبایر، انجام اعمال صالح، توبه صادقانه، اخلاص نیت و جبران حقوق دیگران، همگی از شرایط اساسی آموزش‌اند. این نگرش، نظامی پویا به‌دست می‌دهد که هم امید به رحمت الهی را زنده نگه می‌دارد و هم مسئولیت فردی را تقویت می‌کند.

در مقابل، مسیحیت بخشش را صرفاً در گرو ایمان به فدای مسیح می‌داند و عمل انسانی را در این زمینه بی‌تأثیر می‌شمارد. هرچند این دیدگاه بر محبت و فیض رایگان خداوند تأکید می‌کند، اما از منظر عقلانی و اخلاقی با چالش‌هایی مواجه است؛ از جمله تضعیف نقش عمل صالح و ایجاد این تصور که انسان بدون تلاش فردی نیز می‌تواند نجات یابد.

۴. اشکالات وارد بر آموزه فدا و نقد الهیات مسیحی

همان‌طور که گذشت، آموزه فدا یکی از ارکان بنیادین الهیات مسیحی است و محور اصلی نجات در این سنت دینی به‌شمار می‌رود. بر اساس این آموزه، انسان به‌سبب گناه نخستین در وضعیتی سقوط‌کرده قرار دارد و توان رهایی از این وضعیت را ندارد. تنها راه آموزش، مرگ عیسی مسیح بر صلیب و ریخته شدن خون اوست که به‌عنوان قربانی کامل و بی‌عیب، کفاره‌ای برای گناهان بشر محسوب می‌شود (عبرانیان ۹: ۲۲). این عقیده، با اینکه جایگاهی محوری در الهیات مسیحی دارد، همواره در معرض نقدهای جدی، چه از سوی متفکران مسلمان و چه مسیحی، بوده است. در این بخش به مهم‌ترین اشکالاتی که بر آموزه فدا وارد شده، می‌پردازیم.

۴-۱. سرنوشت انسان‌ها پیش از فدا

اگر کفاره گناهان بشریت تنها از طریق مرگ عیسی مسیح محقق شده باشد، این سؤال مطرح می‌شود که وضعیت رستگاری یا عدم رستگاری انسان‌ها و جوامع پیش از عصر مسیحیت، به‌ویژه انبیا و افراد صالح در ادیان ابراهیمی، نظیر حضرت ابراهیم و حضرت موسی علیهم‌السلام چگونه تبیین می‌شود؟ آیا آنان از رستگاری محروم بوده‌اند یا راه دیگری برای نجات برای ایشان وجود داشته است؟ این پرسش به مسئله «رستگاری برون از مسیحیت» و ابعاد تاریخی آن می‌پردازد.

۴-۲. ناسازگاری با عدالت الهی

یکی از مهم‌ترین نقدهایی که متکلمان مسلمان مطرح کرده‌اند، ناسازگاری آموزه فدا با عدالت الهی است. عدالت اقتضا دارد که هر فرد تنها مسئول اعمال خویش باشد. قرآن کریم در آیات متعددی بر این اصل تأکید دارد: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام: ۱۶۴). بر اساس این اصل، محال است که بار گناه یک فرد بر دوش دیگری نهاده شود. اگر عیسی مسیح بی‌گناه است، چگونه می‌تواند مجازات گناهان دیگران را بر عهده گیرد؟ متکلمان اسلامی این آموزه را نه تنها مخالف عدالت، بلکه مخالف عقل سلیم دانسته‌اند.

برخی الهی‌دانان مسیحی نیز این نقد را جدی گرفته‌اند. برای مثال، هیوم، فیلسوف انگلیسی در قرن هجدهم، تصریح می‌کند که عقیده به کفاره نیابتی با اصول عدالت انسانی ناسازگار است؛ زیرا هیچ دادگاه عادلانه‌ای فرد بی‌گناه را به جای مجرم مجازات نمی‌کند (هیوم، ۱۳۹۷، ص ۹۵).

۴-۳. ابهام در معنای گناه نخستین

آموزه فدا بر پیش‌فرضی استوار است به نام «گناه نخستین» که به روایت عهد عتیق، به سبب نافرمانی آدم و حوا در خوردن میوه ممنوعه بر تمام نسل بشر تحمیل شده است (پیدایش ۳). بر اساس این دیدگاه، همه انسان‌ها وارث این گناه هستند و نیازمند نجاتی بیرونی‌اند. متکلمان مسلمان این پیش‌فرض را مردود می‌دانند. قرآن کریم به صراحت اعلام می‌کند که آدم پس از لغزش توبه کرد و خداوند توبه او را پذیرفت: «فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ» (بقره: ۳۷)؛ بنابراین، گناه آدم، نه موروثی است و نه دامن‌گیر نسل بشر. هر فرد تنها مسئول اعمال خویش است.

از منظر عقلی نیز سرایت گناه والدین به فرزندان امری غیرقابل دفاع است. اگر عدالت الهی را بپذیریم، نمی‌توان گفت که کودکی تازه متولدشده به سبب عملی که هزاران سال پیش رخ داده، ذاتاً گناهکار است. این اشکال بنیادین، مبنای آموزه فدا را سست می‌کند؛ زیرا اگر گناه نخستین وجود نداشته باشد، نیازی به فدا هم باقی نمی‌ماند.

۴-۴. بی‌اثر شدن مسئولیت اخلاقی

یکی دیگر از نقدهای جدی، پیامدهای اخلاقی آموزه فداست. اگر مرگ مسیح کفاره همه گناهان است و انسان تنها با ایمان به او نجات می‌یابد، چه ضرورتی برای عمل صالح باقی می‌ماند؟ این نگرانی از همان قرون اولیه در مسیحیت وجود داشته است. در رساله یعقوب ۲: ۱۴ آمده است: «ای برادران من! چه سود دارد اگر کسی گوید ایمان دارم و عمل ندارم؟ آیا ایمان می‌تواند او را نجات دهد؟» این نشان می‌دهد که حتی در عهد جدید نیز این پرسش جدی بوده است.

در سنت پروتستانی که بر «تبرئه تنها به واسطه ایمان» (sola fide) تأکید دارد، این اشکال بیشتر برجسته است. منتقدان معتقدند که چنین دیدگاهی می‌تواند به بی‌تفاوتی اخلاقی بینجامد؛ زیرا فرد گمان می‌کند صرفاً با ایمان قلبی، بدون نیاز به تلاش اخلاقی، نجات یافته است. متکلمان مسلمان این پیامد را با آموزه اسلامی مقایسه کرده و بر برتری نظام تکفیر تأکید نموده‌اند؛ زیرا در اسلام، عمل صالح و اجتناب از گناه نقشی محوری در آموزش دارند.

۴-۵. ناسازگاری با مفهوم رحمت الهی

آموزه فدا همچنین با مفهوم رحمت مطلق الهی ناسازگار دانسته شده است. اگر خداوند رحیم و غفور است، چرا باید برای بخشودن گناهان بشر نیازمند قربانی کردن پسر خود باشد؟ در قرآن بارها آمده است که خداوند «يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» (زمر: ۵۳)؛ یعنی آموزش الهی بی‌نیاز از فدا و خون‌ریزی است. متکلمان مسلمان این موضوع را شاهی بر فضل و کرم خدا می‌دانند و آموزه فدا را نوعی محدودسازی رحمت الهی تلقی می‌کنند.

حتی برخی الهی‌دانان مسیحی معاصر نیز این پرسش را مطرح کرده‌اند. هانس کونگ، الهی‌دان کاتولیک، می‌نویسد: «اگر خداوند قادر مطلق است، چرا تنها راه آموزش را در مرگ خشونت‌بار پسر خویش می‌بیند؟ آیا نمی‌توانست بدون خون‌ریزی ببخشد؟» (Küng, Hans, 1976, p.340).

۴-۶. تنوع و تعارض نظریه‌های فدا

یکی دیگر از اشکالات اساسی، تنوع و گاه تعارض نظریه‌های مسیحی درباره فداست. در طول تاریخ کلیسا، نظریه‌های متعددی درباره معنای مرگ مسیح ارائه شده است:

- نظریه فدیه به شیطان (Ransom Theory)، که در الهیات اولیه مطرح بود و می‌گفت: مرگ مسیح بهایی است که به شیطان پرداخت شد تا بشر آزاد شود.

- نظریه کفاره جانشینی (Substitutionary Atonement)، که در الهیات آگوستین و آنسلم برجسته شد

و تأکید داشت که مسیح به جای بشر مجازات شد.

- نظریه‌الگو و الهام اخلاقی (Moral Influence Theory)، که آبلارد مطرح کرد و مرگ مسیح را نمونه‌ای برای بیداری اخلاقی بشر دانست.

- نظریه‌پیروزی بر نیروهای شر (Christus Victor)، که در الهیات معاصر برجسته شده است و مرگ و رستاخیز مسیح را پیروزی بر گناه و مرگ تفسیر می‌کند.

این تنوع نظریه‌ها، خود نشان‌دهنده دشواری دفاع عقلانی از آموزه فداست. اگر مرگ مسیح حقیقتی قطعی و تردیدناپذیر بود، چرا باید چنین تفسیرهای متعارضی از آن وجود داشته باشد؟ (مک‌گراث، ۱۳۸۵، ص ۴۶۲).

۴-۷. نقد قرآنی

قرآن کریم صریحاً روایت مرگ عیسی بر صلیب را رد می‌کند: «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ» (نساء: ۱۵۷). این آیه اساس تاریخی آموزه فدا را زیر سؤال می‌برد؛ زیرا اگر مسیح مصلوب نشده باشد، کل بنیان این آموزه فرومی‌ریزد. مفسران اسلامی، از جمله طبری و علامه طباطبائی، این آیه را دلیلی قطعی بر بطلان صلیب می‌دانند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۲۴).

جمع‌بندی

بر اساس آنچه گفته شد، آموزه فدا با مجموعه‌ای از اشکالات روبه‌روست: مخالفت با عدالت الهی؛ تزلزل مبنای گناه نخستین؛ تضعیف مسئولیت اخلاقی؛ ناسازگاری با رحمت خداوند؛ تنوع و تعارض نظریه‌ها؛ و مخالفت صریح قرآن با صلیب. این اشکالات موجب شده‌اند که آموزه فدا از منظر متکلمان مسلمان، نه تنها ناکافی، بلکه نادرست تلقی شود. در مقابل، آموزه تکفیر در اسلام با تکیه بر ایمان، توبه و عمل صالح، هم با عقل سازگار است، هم با عدالت و رحمت الهی هماهنگی دارد و هم مسئولیت اخلاقی انسان را تقویت می‌کند.

نتیجه‌گیری تطبیقی و دستاوردهای پژوهش

۱. جمع‌بندی مباحث اسلامی

بررسی آموزه تکفیر در متون اسلامی نشان داد که قرآن و روایات اساس این مفهوم را به‌وضوح تثبیت کرده‌اند. آیات متعددی همچون هود: ۱۱۴، نساء: ۳۱ و فرقان: ۷۰ بر این معنا دلالت دارند که حسنات می‌توانند سیئات را بزدایند یا حتی به حسنات تبدیل کنند. روایات نبوی و احادیث ائمه معصوم علیهم‌السلام نیز همین مضمون را تأیید کرده‌اند؛ مانند حدیث «الصلوات الخمس... كفارات لما بينهن ما لم يغش الكبائر»، که نشان می‌دهد عبادات دینی می‌توانند کارکرد کفاره داشته باشند.

از منظر کلامی و تفسیری، متکلمان و مفسران شیعه و سنی کوشیده‌اند تا ابعاد این مفهوم را تبیین کنند. برخی بر نقش اجتناب از کبایر تأکید کرده‌اند؛ برخی دیگر عمل صالح را محور دانسته‌اند و گروهی ترکیب این

دو را شرط تحقق تکفیر شمرده‌اند. افزون بر این، شرایطی چون توبه صادقانه، اخلاص نیت و جبران حقوق دیگران نیز در کلام اسلامی جایگاه محوری دارند. از نظر عقلی نیز متکلمان معتزلی و شیعی بر این نکته پافشاری کرده‌اند که اگر میزان ثواب عملی نیک بیشتر از عقاب گناهی باشد، عدالت اقتضا دارد که ثواب غالب شود و عقاب را بپوشاند. در این چهارچوب، تکفیر به منزله تجلی فضل و رحمت الهی فهمیده می‌شود که با عدل الهی منافاتی ندارد؛ زیرا عقوبت گناه از حقوق خداست و او می‌تواند از حق خویش در مقام مجازات چشم‌پوشد. بنابراین، آموزه تکفیر در اسلام سه ویژگی مهم دارد: نخست، تطابق با عقل و عدالت؛ زیرا مسئولیت فردی حفظ می‌شود و هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد؛ دوم، پیوند با رحمت الهی؛ چراکه خداوند با فضل خویش زمینه بازگشت انسان را فراهم می‌سازد؛ سوم، تقویت مسئولیت اخلاقی؛ چون آموزش در گرو ایمان، توبه و عمل صالح است و انسان همواره باید در مسیر اصلاح خویش گام بردارد.

۲. جمع‌بندی مباحث مسیحی

در سوی دیگر، آموزه فدا در مسیحیت بر این ایده استوار است که انسان به سبب گناه نخستین ناتوان از نجات خویش است و تنها مرگ عیسی مسیح به عنوان قربانی کامل می‌تواند کفاره گناهان او باشد. آیات عهد جدید، مانند عبرانیان ۹: ۲۲ و رومیان ۳: ۲۴-۲۵، این باور را تقویت می‌کنند. در این چهارچوب، آموزش تنها از طریق ایمان به مسیح ممکن است و اعمال صالح نقش شرطی در آن ندارند؛ بلکه به عنوان ثمره ایمان تفسیر می‌شوند. با این حال در درون مسیحیت نیز تفاسیر متفاوتی از معنای فدا ارائه شده است: کاتولیک‌ها بر آیین‌های مقدس تأکید دارند؛ ارتدوکس‌ها بر بُعد آشتی‌بخش و پروتستان‌ها بر ایمان صرف. این تنوع نشان می‌دهد که آموزه فدا در تبیین عقلانی خود با دشواری روبه‌رو بوده است.

از منظر نقد، چند اشکال اساسی متوجه این آموزه است: ناسازگاری با عدالت الهی؛ مبنای سست گناه نخستین؛ تضعیف مسئولیت اخلاقی؛ ناسازگاری با رحمت خداوند؛ تعارض نظریه‌های متعدد فدا؛ و مخالفت قرآن با ماجرای صلیب. این اشکالات موجب شده‌اند که آموزه فدا از دیدگاه متفکران مسلمان، نه تنها ناکافی، بلکه متناقض تلقی شود.

۳. مقایسه تطبیقی

مقایسه نهایی نشان می‌دهد که دو سنت دینی در رویکرد به مسئله آموزش تفاوت‌های بنیادین دارند. اسلام بر تعامل انسان و خدا در فرایند آموزش تأکید می‌کند. انسان با ایمان، توبه و عمل صالح نقش فعالی دارد و خداوند نیز با رحمت و فضل خویش گناهان او را می‌پوشاند. این نگرش، هم عدالت را حفظ می‌کند و هم رحمت را متجلی می‌سازد. در مقابل، مسیحیت آموزش را به طور کامل به عمل تاریخی فدا وابسته می‌داند و نقش انسان را به ایمان منفعلانه محدود می‌کند.

تفاوت دوم در پیامدهای اخلاقی است. نظام اسلامی با تأکید بر مسئولیت فردی، انگیزه عمل صالح و پرهیز از گناه را تقویت می‌کند؛ اما آموزه فدا، به‌ویژه در سنت پروتستان، خطر بی‌اثر شدن انگیزه اخلاقی را در پی دارد؛ زیرا «نجات» مستقل از اعمال انسان دانسته می‌شود.

تفاوت سوم در تصویر از خداوند است. در اسلام، خداوند، هم عادل است و هم رحیم؛ او می‌تواند بدون نیاز به قربانی انسانی، گناهان را ببخشد؛ اما در مسیحیت، خداوند به‌گونه‌ای تصویر می‌شود که گویی برای آموزش نیازمند قربانی خونین است؛ و این با رحمت مطلق و قدرت بی‌کران او سازگار به‌نظر نمی‌رسد.

۴. دستاوردهای پژوهش

این پژوهش با مقایسه آموزه تکفیر و فدا، چند دستاورد مهم به‌همراه داشت:

نخست، نشان داد که آموزه تکفیر در اسلام نظامی عقلانی، اخلاقی و عادلانه است که به‌خوبی با آموزه‌های قرآنی و روایی سازگار است؛ دوم، آشکار کرد که آموزه فدا در مسیحیت با چالش‌های جدی روبه‌روست و در دفاع عقلانی دچار ضعف است؛ سوم، روشن کرد که رویکرد اسلامی به آموزش، امید و مسئولیت را توأمان تقویت می‌کند؛ درحالی‌که رویکرد مسیحی بیشتر بر ایمان منفعلانه تأکید دارد؛ چهارم، از منظر تطبیقی می‌توان نتیجه گرفت که آموزه اسلامی در ایجاد تعادل میان خوف و رجا، عدل و رحمت، و عقل و نقل، توفیق بیشتری دارد.

۵. نتیجه نهایی

بنابراین می‌توان گفت که آموزه تکفیر در اسلام با تکیه بر قرآن، سنت و عقل، سازوکاری پویا برای آموزش ارائه می‌دهد که در آن، انسان همواره فرصت بازگشت دارد و خداوند با رحمت بی‌پایان خود او را می‌پذیرد. در مقابل، آموزه فدا در مسیحیت، هرچند ناظر به بیان محبت خداوند است، به‌سبب مبانی سست و پیامدهای اخلاقی و کلامی، کمتر توانسته است دفاع عقلانی و جامع بیابد. این مقایسه نشان می‌دهد که اسلام تصویری کامل‌تر و متوازن‌تر از رابطه میان خدا، انسان و آموزش ارائه می‌دهد.

منابع

قرآن کریم. ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.

کتاب مقدس (عهدین). ترجمه قدیم و جدید.

ابن بابویه، شیخ صدوق ابی جعفر محمد (۱۳۸۹). اعتقادات شیخ صدوق. تصحیح: مؤسسه الامام الهادی علیه السلام. قم: مؤسسه الامام الهادی علیه السلام.

قشیری نيسابوری، ابوالحسن مسلم بن حجاج (۱۳۷۴ق). صحيح مسلم، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي. قاهره: مطبعة عيسى البابي الحلبي.

اسدآبادی، قاضی ابی الحسن عبدالجبار (۱۴۰۸ق). شرح اصول الخمسه. تعليق: احمد بن حسين بن ابی هاشم. تحقيق: عبدالکریم عثمان. قاهره: مكتبة وهبه.

انصاریان، حمید (۱۴۰۲). بازکاوی تاریخی پیدایش و تطور تکفیر در غیر امامیه. فصلنامه معرفت، ۳۲(۸)، ۶۹-۸۱.

براون، رابرت مک آفی (۱۳۸۲). روح آیین پروتستان. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: نگاه معاصر.

تيسن، هنری (بی تا). الهیات مسیحی. ترجمه ط. میکائیلیان. تهران: حیات ابدی.

حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۸ق). الفصول المهمة فی اصول الائمه. تحقيق و اشراف: محمد بن محمد الحسن القائینی. قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.

حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. قم: دار الفکر.

حسینی قلعه بهمن، سیداکبر (۱۴۰۴). انسان شناسی مسیحی، دوگانه گرا یا سه گانه گرا. فصلنامه معرفت ادیان، ۱۶(۴)، ۵۸-۴۳.

حلی، ابی منصور حسن بن یوسف (۱۳۸۸). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. ترجمه و شرح ابوالحسن شعرانی. تهران: هرمس.

زمخشری، ابی القاسم جارالله محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الكشف عن حقائق غوامض التنزيل. بيروت: دار الكتاب العربي.

سیحانی، جعفر (۱۳۷۰). معادشناسی در پرتو کتاب، سنت و عقل. ترجمه علی شیروانی. تهران: الزهراء.

سیحانی، جعفر (۱۳۸۳). منشور جاوید: عدل، امامت، شفاعت، توبه، احباط و تکفیر. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

سیحانی، جعفر (۱۴۱۳ق). الالهيات على هدى الكتاب والسنة والعقل. قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.

سیحانی، جعفر (۱۴۲۷ق). بحوث فی الملل والنحل. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تحقیق و مقدمه: محمد جواد بلاغی. تهران: ناصر خسرو.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع. تهران: دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بيروت: دار المعرفه.

طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.

طوسی، ابوجعفر محمد (۱۴۰۰ق). الاقتصاد الهادی الى طريق الرشاد. تهران: مكتبة جامع چهلستون.

طوسی، ابوجعفر محمد (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. تحقیق و مقدمه: شیخ آغا بزرگ تهرانی و احمد قصیر عاملی. بيروت: دار

احیاء التراث العربی.

طوسی، خواجه نصیرالدین محمدبن محمد (۱۴۱۶ق). قواعد العقائد. تحقیق: علی ربانی گلپایگانی. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم. عبده، محمد و رشید رضا، سید محمد (بی‌تا). تفسیر القرآن الحکیم (المنار). بیروت: دار الکفر.

فخر رازی، فخرالدین ابوعبدالله محمدبن عمر (۱۴۰۱ق). تفسیر الکبیر ومفاتیح الغیب (تفسیر الفخر الرازی). بیروت: دار الفکر. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: مؤسسة وفاة. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷). آموزش عقاید. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۴۰۲). درجات ایمان و کفر. فصلنامه معرفت، ۳۳(۹)، ۷-۵. مغنیه، محمدجواد (بی‌تا). التفسیر الکاشف. بیروت: دار الأنوار للطباعة والنشر.

مک‌گراث، آلیستر (۱۳۸۵). درآمدی بر الهیات مسیحی. ترجمه مسیح دیباج. تهران: کتاب روشن. هیوم، دیوید (۱۳۹۷). گفت‌وگوهای درباره دین طبیعی. ترجمه رسول رسولی‌پور و سوده مهتاب‌پور. تهران: حکمت.

Aquinas, T. (1952). *Summa theologiae*. (Original work published 1265–1274). Part III, Question 69: The effects of baptism.

Küng, Hans (1976). *On Being a Christian*. New York: Doubleday & Company.

Lossky, V. (1976). *The mystical theology of the Eastern Church*. : St. Vladimir's Seminary Press.

Luther, M. (1960). The freedom of a Christian. In: J. Dillenberger (Ed.). *Martin Luther: Selections from his writings* (p.43–85). Doubleday. (Original work published 1520).

Meyendorff, J. (1974). *Byzantine theology: Historical trends and doctrinal themes* (2nd ed). Fordham University Press.

Schmemmann, A. (1973). *For the life of the world: Sacraments and Orthodoxy*. St. Vladimir's Seminary Press.

References

The Holy Qur'an. Trans. Ayatollah Naser Makarem Shirazi.

The Bible (Old and New Testaments). Old and New Translations.

Ibn Babawayh, Sheikh Saduq Abu Ja'far Muhammad (2010). *I' tiqādāt-e Sheikh Saduq*. Ed. Imam al-Hadi Institute. Qom: Imam al-Hadi Institute.

Qushayri Nishapuri, Abu al-Hussein Muslim ibn Hajjaj (1955 CE). *Ṣaḥīḥ Muslim*. Ed. Muhammad Fu'ad Abd al-Baqi. Cairo: Matba'at Isa al-Babi al-Halabi.

Asadabadi, Qadi Abu al-Hasan Abd al-Jabbar (1988 CE). *Sharḥ Uṣūl al-Khamsa*. Annot. Ahmad ibn Hussein ibn Abi Hashim. Ed. Abd al-Karim Uthman. Cairo:

Maktabat Wahba.

Ansarian, Hamid (2023). "A Historical Reexamination of the Emergence and Evolution of Takfir in Non-Imami Islam." *Faslnāmeḥ-ye Ma'rifat*, 32(8), 61–69.

Brown, Robert McAfee (2003). *The Spirit of Protestantism*. Trans. Fariborz Majidi. Tehran: Negah-e Mo'aser.

Thiessen, Henry (n.d.). *Christian Theology*. Trans. T. Mikailian. Tehran: Hayat-e Abadi.

Hurr Amili, Muhammad ibn al-Hasan (1997 CE). *Al-Fuṣūl al-Muhimma fī Uṣūl al-A'imma*. Ed. Muhammad ibn Muhammad al-Hussein al-Qa'ini. Qom: Imam Reza Islamic Studies Institute.

Husseini Zubaydi, Seyyed Muhammad Murtada (1993 CE). *Tāj al-‘Arūs min Jawāhir al-Qāmūs*. Qom: Dar al-Fikr.

Husseini Qaleh-Bahman, Seyyed Akbar (2025). "Christian Anthropology: Dualist or Trinitarian." *Faslnāmeḥ-ye Ma'rifat-e Adyan*, 16(4), 43–58.

Hilli, Abi Mansur Hasan ibn Yusuf (2009). *Kashf al-Murād fī Sharḥ Tajrīd al-I'tiqād*. Trans. and Comm. Abul Hassan Sha'rani. Tehran: Hermes.

Zamakhshari, Abi al-Qasim Jarallah Mahmoud ibn Umar (1987 CE). *Al-Kashshāf ‘an Ḥaqā’iq Ghawāmiḍ al-Tanzīl*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.

Sobhani, Ja'far (1991). *Ma'ād-shenāsī dar Partow-e Ketāb, Sonnat va 'Aql*. Trans. Ali Shirvani. Tehran: Al-Zahra.

Sobhani, Ja'far (2004). *Manshūr-e Jāvīd: 'Adl, Imāmat, Shafā'at, Tawba, Iḥbāt va Takfīr*. Qom: Imam Sadiq Institute.

Sobhani, Ja'far (1992 CE). *Al-Ilāhiyyāt ‘alā Hudā al-Kitāb wa al-Sunna wa al-'Aql*. Qom: Imam al-Sadiq Institute.

Sobhani, Ja'far (2006 CE). *Buḥūth fī al-Milal wa al-Niḥal*. Qom: Imam Sadiq Institute.

Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1996 CE). *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Qom: Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom.

Tabarsi, Fazl ibn Hasan (1993). *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Res. and Intro. Mohammad Javad Balaghi. Tehran: Naser Khosrow.

Tabarsi, Fazl ibn Hasan (1998). *Tafsīr Jawāmi' al-Jāmi'*. Tehran: University of Tehran and Management of the Qom Seminary.

Tabari, Abu Ja'far Muhammad ibn Jarir (1991 CE). *Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Dar al-Ma'rifa.

- Tarihi, Fakhr al-Din (1996). *Majma' al-Bahrayn*. Tehran: Mortazavi.
- Tusi, Abu Ja'far Muhammad (1979 CE). *Al-Iqtisād al-Hādī ilā Ṭarīq al-Rashād*. Tehran: Maktabat Jami' Chehelsotoun.
- Tusi, Abu Ja'far Muhammad (n.d.). *Al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Res. and Intro. Sheikh Agha Bozorg Tehrani and Ahmad Qasir Ameli. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Tusi, Khwaja Nasir al-Din Muhammad ibn Muhammad (1995 CE). *Qawā'id al- 'Aqā'id*. Ed. Ali Rabbani Golpayegani. Qom: Center for the Management of the Qom Seminary.
- Abduh, Muhammad, and Rashid Rida, Seyyed Muhammad (n.d.). *Tafsīr al-Qur'ān al-Ḥakīm (Al-Manār)*. Beirut: Dar al-Kufr.
- Fakhr al-Razi, Fakhr al-Din Abu Abdullah Muhammad ibn Umar (1981 CE). *Tafsīr al-Kabīr wa Mafātīḥ al-Ghayb*. Beirut: Dar al-Fikr.
- Kulini, Muhammad ibn Yaqub (1986 CE). *Al-Kāfī*. Ed. Ali Akbar Ghaffari and Muhammad Akhundi. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Majlisi, Muhammad Baqir (1983 CE). *Biḥār al-Anwār al-Jāmi'a li-Durar Akhbār al-A'imma al-Aṭhār*. Beirut: Mu'assasat al-Wafa.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (1998). *Āmūzesh-e 'Aqā'id*. Qom: Islamic Propagation Organization.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2023). "Degrees of Faith and Disbelief." *Faslnāmeḥ-ye Ma'rifat*, 32(9), 5–7.
- Mughniyeh, Muhammad Jawad (n.d.). *Al-Tafsīr al-Kāshif*. Beirut: Dar al-Anwar lil-Tiba'a wa al-Nashr.
- McGrath, Alister (2006). *An Introduction to Christian Theology*. Trans. Masih Dibaj. Tehran: Ketab-e Roshan.
- Hume, David (2018). *Dialogues Concerning Natural Religion*. Trans. Rasoul Rasoulipour and Soudeh Mahtabpour. Tehran: Hekmat.